

نگاهی به قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳

جعفر صادق منش_ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق (ع)

اشاره

قانون کیفری آیینی ی ارزش های اساسی مورد حمایت کیفری هر جامعه است که در صورت غبارآلود بودن و عدم شفافیت در بازتابی جامع و مانع این ارزش ها و ضمانت اجراهای کیفری تخطی از آن ها، چهره ی رعنا ی فرشته ی عدالت را به گونه ای ناهمگون و زشت نشان می دهد که جویندگان آن اعم از قضات، حقوق دانان، شکات، متهمان، وکلا، ضابطان و... سردرگم و دلسرد می شوند؛ اگر نگوییم دیو دون هزار چهره ی ظلم از چنان فرشته ی نمایانده می شود.

قانون مبارزه با قاچاق انسان از جمله قوانینی است که در پرتو تعالیم اسلامی از یک سو و الزامات عقل جمعی بشر از سوی دیگر، در پی مبارزه ی مؤثر با یکی از پدیده های دوران مدرنیته برآمده است و گر چه برخی مصادیق این پدیده از دیر باز در اغلب جوامع و از آن جمله جامعه ی ما وجود داشته و قانون گذاران نیز کم و بیش به جرم انگاری آن مصادیق پرداخته اند اما برخی دیگر از این مصادیق مانند قاچاق سازمان یافته ی انسان با اهدافی از قبیل تشریح و جداسازی و تجارت اعضای بدن، مربوط به حداکثر یک صد سال اخیر است.

اما قانون گذار ما تا چه حد در تبیین این جرم نظامند و علمی عمل کرده است؟ جرم انگاری قاچاق در اندیشه ی قانون گذار ما بر کدام سیاست کیفری مبتنی بوده است؟ نوع و میزان مجازات های مقرر در قانون مبارزه با قاچاق، تا چه حد با اهداف جرم انگاری آن همسو بوده است؟

ما در این نوشتار کوتاه نگاهی گذرا به قانون یاد شده از منظر پرسش نخست می اندازیم و پاسخ پرسش های دیگر را به فرصتی دیگر وا می نهیم.

نخستین نکته ای که در بررسی قانون یاد شده باید لحاظ شود شرایط و زمینه های تصویب چنین قانونی است. در این باره باید گفت در همه ی نقاط جهان قاچاق انسان پس از قاچاق مواد مخدر دومین تجارت نامشروع سودآور است.^(۱)

امری که همه ی حقوق اساسی و در رأس آن ها حق آزادی، حق حیات و حق کرامت انسانی را نشانه رفته است و به کارگیری عناوینی چون آدم خواری مدرن و برده داری نوین، برای این جرم دور از حقیقت نیست.

در کشور ما نیز زنان و دختران زیادی آگاهانه و ناآگاهانه و خواسته و ناخواسته آماج گروه های سازمان یافته قاچاق برای اهداف مختلف و به ویژه بهره کشی جنسی و مردان و پسران عمدتاً برای استثمار اقتصادی و اشخاص مختلف برای جداسازی اعضا در خارج از قلمروی جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. گر چه آمار دقیقی در این باره در دست نیست اما گسترش روز افزون این پدیده ی شوم ضرورت واکنش جدی قانونی در قبال سازمان های جنایی و اعضای آن را آشکار می سازد.

اما از آن جا که گسترش پدیده ی قاچاق انسان با توجه به ویژگی فراملی آن کم و بیش همه ی دولت های جهان را درگیر خود نموده است^(۲)، چاره اندیشی بین المللی برای برخورد با این معضل اجتناب ناپذیر می باشد.^(۳)

در همین راستا در کنار کنوانسیون بین المللی مبارزه با جنایات سازمان یافته ی فراملی در مریدای ایتالیا در سال ۲۰۰۰ میلادی- که در همان زمان به امضای ۱۲۰ کشور جهان رسید- دو پروتکل الحاقی دیگر نیز تصویب شد که پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان یکی از آن هاست.

جمهوری اسلامی ایران گر چه تاکنون کنوانسیون و پروتکل های مذکور را تصویب نکرده اما با این حال قانونی وضع کرده که همسو با پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان می باشد؛ یعنی قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی.

ما در این جا بی آن که در صدد بررسی دلایل عدم تصویب کنوانسیون مذکور و پروتکل های الحاقی باشیم، یادآوری می کنیم که در فرآیند قانون گذاری، مراجعه و در صورت ضرورت بهره گیری از تجارب دیگران در موضوع مورد نظر اصلی عقلانی است که موجبات پختگی و استحکام یک قانون را فراهم می آورد.

به همین دلیل ما ضمن بررسی این قانون در این نوشتار، آن را با پروتکل مورد اشاره مقایسه خواهیم کرد تا ببینیم با وجود لاحق بودن قانون مبارزه با قاچاق انسان قانون گذار ما تا چه حد به مفاد پروتکل مورد اشاره مراجعه داشته است.

تعریف جرم قاچاق انسان

در ماده (۱) قانون مورد اشاره، قاچاق انسان این گونه تعریف شده است:

«الف- خارج ساختن و یا ترانزیت مجاز و یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت و موقعیت خود یا با سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب- تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفای فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.»

تعریف فوق به طور کلی منطبق با تعریف ارائه شده در بند «الف» ماده (۳) پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان می باشد؛ طبق این بند:

« قاچاق انسان به معنای جلب افراد، حمل و نقل، جا به جایی، پناه دادن یا تحویل گرفتن افراد به وسیله ی تهدید یا استفاده از زور و یا دیگر اشکال اجبار، آدم ربایی، کلاهبرداری، فریب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت آسیب پذیری یا دادن و گرفتن پول یا منافع برای کسب رضایت فردی که کنترل فرد دیگری را در دست دارد به منظور بهره کشی (استثمار) می باشد. بهره کشی شامل حداقل بهره برداری از تن فروشی دیگران یا دیگر اشکال استفاده ی جنسی، کار یا خدمات تحمیلی، برده داری یا اشکال مشابه برده داری، بندگی یا برداشتن اعضای بدن است.»

با این حال از مقایسه ی دو تعریف فوق وجوه تمایز زیر قابل تمیز است:

۱- عدم ذکر عنوان «آدم ربایی» و «دادن یا گرفتن پول یا منافع برای کسب رضایت فردی که کنترل فرد دیگری را در دست دارد» در میان طرق و وسایل ارتکاب جرم قاچاق انسان در قانون مبارزه با قاچاق انسان؛

۲- عدم ذکر «مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء» در میان عناصر مادی مذکور در بند «الف» ماده (۳) پروتکل.

۳- توجه به عنصر فراملی در جرم قاچاق در بند «الف» ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق و تأکید بر «خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز و یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور» و غفلت تدوین کنندگان پروتکل از این امر.

این در حالی است که فلسفه ی تدوین و تصویب کنوانسیون پالمو و پروتکل مذکور، مبارزه با جنایات سازمان یافته ی فراملی و از آن جمله قاچاق انسان است و غفلت تدوین کنندگان پروتکل از عنصر اساسی و ویژگی مهم «فراملی» در

جرم قاچاق انسان توجیه ناپذیر می نماید. هم چنین غفلت قانون گذار ما و نیز تدوین کنندگان پروتکل از عنصر «سازمان یافتگی» در جرم قاچاق انسان قابل پذیرش نیست.

جرایم در حکم قاچاق انسان

ماده (۲) قانون مورد اشاره مواردی را با عنوان «در حکم قاچاق انسان» پیش بینی نموده که عبارتند از:

«الف- تشکیل یا اداره ی دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد؛

ب- عبور(خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)،حمل یا انتقال مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون،هر چند با رضایت آنان باشند؛

ج- عبور(خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیر مجاز افراد به قصد فحشا هر چند با رضایت کامل باشد.»
درباره ی این ماده چند نکته گفتنی است.

۱- در بند «الف» ماده (۲) تسری حکم قاچاق انسان به اعمال مقدماتی نظیر سازمان یافتگی برای ارتکاب این جرم با وجود عدم اقدام عملی به هیچ یک از عناصر مادی جرم مذکور، در صورتی که سیاست کیفری قانون گذار برخورد کیفری قاطع با این قبیل جرایم باشد قابل درک بوده و در واقع این اقدام قانون گذار نوعی جرم انگاری از نوع جرایم بازدارنده است.

۲- مفاد بند «ب» ماده (۲) مذکور جای بسی شگفتی دارد؛چرا که در این بند، مصداق اتم و اکمل و بارز جرم قاچاق انسان- که می توانست حتی مجازات شدیدتری هم در پی داشته باشد- نه «قاچاق» بلکه «در حکم قاچاق» انسان است. توضیح این که تنها تفاوت بند «ب» ماده (۲) با ظاهر ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق انسان، ارتکاب جرم مذکور «به طور سازمان یافته» است و به عبارت دیگر ارتکاب هر کدام از عناوین مندرج در ماده (۱) در بند «ب» ماده (۲) متصف به وصف سازمان یافتگی شده اصولاً در این صورت عمل ارتكابی باید حالت مشدد قاچاق انسان باشد نه در حکم قاچاق انسان؛ زیرا تسری حکم یک جرم به جرم دیگر در مواردی است که جرم اصلی شدیدتر و جرم دوم خفیف تر و تنها مشتمل بر مقدمات یا بخشی از جرم اصلی باشد اما بنا به مصالح مبتنی بر سیاست کیفری، قانون گذار حکم جرم اصلی را به جرم دوم تسری دهد؛ در حالی که در بند «ب» ماده (۲) چنین قاعده ای رعایت نگردیده است.

۳- با آن که مفاد بند «ج» ماده ی مذکور از مصادیق تعریف ارائه شده از قاچاق انسان در ماده (۱) می باشد، معلوم نیست چرا قانون گذار دچار تناقض گویی شده و با ذکر یکی از مصادیق مهم قاچاق انسان یعنی ترانزیت غیر مجاز افراد به قصد فحشا، «آن را نه از مصادیق قاچاق انسان» بلکه «در حکم قاچاق انسان» دانسته است.

مجازات جرم قاچاق انسان

همه می دانیم که وضع قانون خاص درباره ی یک رفتاری مجرمانه یا تشکیل کنفرانس یا تصویب کنوانسیون بین المللی برای چاره جویی درباره ی چنین رفتاری که جنبه ی بین المللی به خود گرفته، اغلب برای در پیش گرفتن تدابیر قاطع تر و مؤثرتر و در شرایطی می باشد که تدابیر پیشین در برخورد با این گونه رفتارها از کارایی لازم برخوردار نبوده است. به همین دلیل هم، کنوانسیون مریدا عنوان «کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته ی فراملی» را به خود گرفته و علاوه بر عنوان آن که صحبت از «جنایت» بودن جرایم سازمان یافته ی فراملی می کند، در ماده (۲) این کنوانسیون هم اشاره بر «جرم شدید» بودن اعمال مذکور گردیده و در تعریف جرم شدید مقرر شده که: «عبارت است از عمل مجرمانه ی که مجازات آن سلب آزادی به مدت حداقل ۴ سال حبس و یا مجازات های شدیدتر باشد.»

حال ببینیم مجازات مقرر در ماده (۳) قانون مبارزه با قاچاق انسان چگونه است؟

مطابق این ماده:

«چنان چه عمل مرتکب قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق با مجازات های مقرر در قانون یاد شده و در غیر این صورت به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصله از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث و عده ی پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می شود.»

این ماده از چند جهت قابل نقد است:

۱- احاله ی مجازات قاچاق انسان به مجازات های مندرج در قانون مجازات اسلامی در صدر ماده: توضیح این که چنین احاله ی کاملاً نا به جا، غیر منطقی و خلاف اصول قانون نویسی است؛ زیرا اگر قرار بود مجازات جرمی به طور کامل در قانون سابق وجود داشته باشد، قانون گذاری جدید درباره ی آن جرم لغو و بیهوده می بود و اگر فرض بر این است که قاچاق انسان با عناصر مقرر در ماده (۱) قانون مذکور، جرم جدیدی است که در قوانین سابق پیش بینی نشده، فرض

وجود مجازات این جرم در قوانین سابق مانند قانون مجازات اسلامی فرض محالی است مگر در موارد تعدد معنوی که در این موارد هم تکلیف قاضی در مقررات عمومی (ماده (۴۶) ق.م.ا) مشخص شده است.

بررسی مواد قانون مجازات اسلامی هم نشان می دهد که در این قانون قاچاق انسان، با اوصاف مذکور در ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق انسان جرم انگاری نشده و در نتیجه مجازاتی برای آن مقرر نشده است؛ گر چه در مواردی اندک مانند جرم آدم ربایی موضوع ماده (۶۲۱) و بچه دزدی موضوع ماده (۶۳۱) ق.م.ا موضوع می تواند از موارد تعدد معنوی جرم باشد.

۲- متناسب نبودن حداقل تعیین شده برای مجازات: همان گونه که اشاره گردید، جرم شدید مقرر در ماده (۲) کنوانسیون مریدا به جرمی گفته می شود که حداقل مجازات آن چهار سال حبس باشد؛ در حالی که در سایر موارد معمولاً مجازات های مقرر در قوانین داخلی شدیدتر از مجازات های پیش بینی شده در اسناد بین المللی است. درباره ی جرم قاچاق انسان قانون گذار ما حداقل دو سال حبس را تعیین کرده که از استاندارد بین المللی پایین تر است و تعیین جزای نقدی هم نمی تواند این کاستی را رفع کند؛ زیرا جزای نقدی تعیین شده، نسبی می باشد و چه بسا مبلغ آن بسیار اندک باشد. بنابراین جا داشت قانون گذار ما در تعیین مجازات دقت بیشتری می کرد تا با افزایش ریسک ارتکاب جرم هدف پیش گیری از طریق ارباب مرتکب بالفعل و مرتکبان بالقوه بهتر و بیشتر تأمین شود.

کیفیات مشدده در قانون مبارزه با قاچاق انسان

تبصره "۱" ماده (۳)، ارتکاب جرم قاچاق اشخاص دارای کم تر از هجده سال را موجب محکومیت مرتکب به «حداکثر مجازات مقرر در این ماده» نموده و ماده (۴) این قانون نیز مقرر داشته: «هر گاه کارکنان دولت یا مؤسسات، شرکت ها و سازمان های وابسته به دولت و نیروهای مسلح و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به طور کلی قوای سه گانه به نحوی از انحا در جرایم موضوع این قانون دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازات های مقرر در این قانون با توجه به نقش مجرم به انفصال موقت یا دایم از خدمت محکوم خواهند شد.»

پیش بینی این کیفیات مشدده مجموعاً از نقاط قوت قانون یاد شده می باشد؛ به ویژه با توجه به این که هر گونه دخالت کارکنان دولت در ماده (۴) مستوجب مجازات تبعی انفصال از خدمت دانسته شده است.

حکم شروع به جرم و معاونت در قاچاق انسان

جرم انگاری شروع به جرم قاچاق انسان در تبصره "۲" ماده (۳) و نیز تعیین مجازات خاص برای معاون این جرم در تبصره "۳" این ماده از دیگر نقاط قوت قانون یاد شده می باشد؛ گر چه قید «حسب مورد» در تبصره "۳" که مقرر می دارد: مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس، حسب مورد و غیره خواهد بود، زاید و ابهام آفرین است.

هم چنین دقت شود که مجازات معاونت در جرم قاچاق انسان مجازات مشددی است؛ چرا که طبق قواعد کلی مقرر در ماده (۷۲۶) ق.م.ا مجازات معاون، حداقل مجازات تعیین شده برای جرم می باشد و طبق این قاعده قاضی در شرایط عادی و بدون تسری در تبصره "۳" ماده (۳) مذکور نمی توانست به مجازاتی بیشتر از دو سال حبس برای معاون جرم قاچاق انسان حکم کند؛ در حالی که طبق این تبصره قاضی اختیار دارد به «... تا پنج سال حبس و جزای نقدی نسبی» (همانند زای نقدی مقرر برای مباشر) حکم کند.

مقایسه ی تبصره "۱" ماده (۳) قانون مبارزه با قاچاق انسان و ماده (۳) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

مصوب ۱۳۸۱

باتوجه به اشاره ی دو قانون فوق به اشخاص زیر هجده سال به عنوان بزه دیده، مقایسه ی این دو ضروری می نماید. ماده (۳) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مقرر می دارد: «هر گونه خرید و فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد.» از بررسی نقادانه و بیان کاستی های این ماده که بگذریم از ظاهر بیان آن بر می آید که اعمال مقرر در ماده «به منظور ارتکاب قاچاق» مستوجب یکی از دو مجازات شش ماه تا یک سال حبس یا جزای نقدی به میزان تعیین شده به تشخیص قاضی خواهد بود.

تبصره "۱" ماده (۳) قانون مبارزه با قاچاق انسان نیز مقرر می دارد:

«چنان چه فرد قاچاق شده کم تر از هیجده سال تمام داشته باشد... مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده (حبس

دو ماه تا ده سال و جزای نقدی نسبی) محکوم می شود.»

اما از آن جا که ماده (۱) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به تبع مقررات بین المللی، کودک را کسی می داند که دارای سن زیر هجده سال باشد، باید ببینیم چگونه می توان ماده (۳) قانون مذکور را با تبصره "۱" ماده (۳) قانون مبارزه با قاچاق انسان جمع کرد؟

در این باره به نظر می رسد با توجه به نص ماده (۳) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، جرم مقرر در این ماده، جرمی غیر از قاچاق انسان است؛ گر چه عنصر روانی (سوء نیت خاص) آن ارتکاب اعمالی از قبیل قاچاق باشد؛ به عبارت دیگر جرم مقرر در این ماده می تواند از دو جهت قابل توجه باشد:

از جهت استثمار و تجاوز به حق کرامت و آزادی اشخاص زیر هجده سال که عبارات بعدی و مجازات تعیین شده در این ماده نشان می دهد، متأسفانه به طور کامل مورد غفلت قانون گذار ما بوده است؛ از جهت مقدمه بودن بر جرایمی مانند قاچاق که ظاهراً قانون گذار ما تنها به این جهت توجه نموده و به عبارت دیگر جرم مقرر در ماده ی مذکور به غلط از نظر قانون گذار ما جرمی بازدارنده دانسته شده است که برای از بین بردن بستر و زمینه ی ارتکاب جرایمی مانند قاچاق پیش بینی شده است.

با این توضیح تبصره "۱" ماده (۳) قانون مبارزه با قاچاق انسان با مفاد ماده (۳) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تعارضی ندارد و کاملاً قابل جمع هستند.

اما در این جا این پرسش مطرح است که آیا جرم موضوع ماده (۳) مذکور می تواند از مصادیق معاونت در جرم قاچاق انسان باشد؟ فایده ی پاسخ مثبت به این پرسش آن است که در حال حاضر تبصره "۱" قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده (۳) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ را منسوخ دانسته و تحت حکم عام قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ قرار داده و امروزه ارتکاب اعمال مقرر در آن ماده را به استناد تبصره "۳" ماده (۳) قانون اخیر مجازات می کنند که دارای مجازات شدیدتر و متناسب تر با اهداف سیاست کیفری در این زمینه است.

به نظر ما حکم ماده (۸) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان راه را برای چنین تفسیری باز گذاشته است؛ زیرا به موجب آن:

«اگر جرایم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگینتری برای آن ها

مقرر شده باشد، حسب مورد حد شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد.»

بررسی سایر مقررات قانون مبارزه با قاچاق انسان

در پایان این نوشتار نگاهی گذرا به مواد (۸)، (۷)، (۶)، (۵) این قانون می‌اندازیم که هر کدام از جهتی قابل بررسی هستند. مطابق ماده (۵) «چنان چه مؤسسات و شرکت‌های خصوصی به قصد ارتکاب جرایم موضوع این قانون ولو بانام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر، پروانه‌ی فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و مؤسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد گردید.»

درباره‌ی این ماده گفتنی است:

۱- در این ماده مسئولیت اشخاص حقوقی به صورت ابطال پروانه و تعطیلی شخص حقوقی پیش‌بینی شده است.

۲- جرم مقرر در این ماده نیز از مصادیق جرایم بازدارنده است.

۳- منظور از «علاوه بر مجازات‌های مقرر» معلوم نیست؛ شاید مراد قانون‌گذار تسری حکم بند «الف» ماده (۲) این قانون باشد که «تشکیل یا اداره‌ی دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد» را در حکم قاچاق انسان دانسته است و نتیجه‌ی این تفسیر حکم به مجازات مقرر در ماده (۳) این قانون (دو تا ده سال حبس و جزای نقدی نسبی) درباره‌ی تشکیل دهندگان و مؤسسان شرکت‌های خصوصی به شرح مقرر در ماده (۵) می‌باشد. توضیح این‌که «تشکیل یا اداره‌ی دسته یا گروه» می‌تواند به صورت رسمی یا غیر رسمی باشد و شکل رسمی آن هم عبارت است از تشکیل مؤسسه یا شرکت خصوصی با مجوز مراجع ذی صلاح.

ماده (۶) این قانون مقرر می‌دارد:

«چنان چه قاچاق انسان توأم با ارتکاب جرایم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون به مجازات‌های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد.»

به نظر می‌رسد مفاد این ماده منطبق با مقررات تعدد مادی جرم از چند نوع باشد که حکم آن در ماده (۴۷) ق.م.ا. پیش‌بینی شده و تکرار آن در ماده‌ی فوق ضرورتی نداشت.

ماده (۷) قانون یاد شده درباره‌ی شمول مقررات این قانون است که مقرر می‌دارد: «هر تبعه‌ی ایرانی که در خارج از قلمروی حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود.»

مشابه همین حکم در ماده (۷) ق.م.ا.پیش بینی شده مطابق این ماده: «هر ایرانی که در خارج از ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد شد.»

شاید در نظر اول تفاوتی بین حکم این دو ماده وجود نداشته باشد، اما واقعیت چیز دیگری است؛ زیرا قید «در ایران یافت شود» در ماده (۷) قانون مبارزه با قاچاق انسان وجود ندارد و این بدان معناست که اگر یک ایرانی در خارج از ایران مرتکب جرم قاچاق انسان شود و مقامات ایرانی به هر نحو امکان دست یابی به او را در خارج از کشور داشته باشند یا حتی بدون امکان دست یابی به او مورد از موارد جواز رسیدگی غیابی باشد- که در موارد ارتکاب جرم قاچاق انسان همین گونه است- در این صورت می توان از طریق انتقال متهم به ایران یا رسیدگی غیابی نسبت به صدور حکم قانونی درباره ی مرتکب جرم قاچاق، اقدام کرد؛ در حالی که طبق ماده (۷) ق.م.ا، و در مورد سایر جرایم شرط رسیدگی و صدور حکم جزایی درباره ی مرتکبان ایرانی جرم در خارج از قلمروی ایران، یافت شدن آن ها در ایران است.

ماده (۸) قانون مبارزه با قاچاق انسان درباره ی اشیا و اموال اختصاص یافته برای ارتکاب جرم قاچاق انسان می باشد، به موجب این ماده:

«تمامی اشیا و اسباب و وسایط نقلیه ای که به امر «قاچاق انسان» اختصاص داده شده اند، به نفع دولت ضبط خواهد شد». موضوع این ماده نیز از مصادیق موضوع ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی است که مقرر می دارد: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ی جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده و یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد... در کلیه ی امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا پس از آن اعم از این که مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیا و اموالی که وسیله ی جرم بوده و یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده، حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آن ها باید مسترد یا ضبط و یا معدوم شود...».

درباره ی دو ماده ی فوق می توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- مهمترین تفاوت بین دو ماده ی مذکور الزامی بودن ضبط اموال و اشیای اختصاص یافته برای ارتکاب جرم در ماده (۸) قانون مبارزه با قاچاق انسان و اختیاری بودن آن در ماده (۱۰) قانون مجازات اسلامی است.

۲- قاعده ای که در هر دو ماده باید رعایت شود ضبط اموال و اشیای مذکور به تبع صدور رأی نهایی است؛ با این تفاوت که در صورتی که رأی نهایی محکومیت باشد، صدور قرار ضبط اموال و اشیای مذکور به استناد ماده (۸) قانون مبارزه با قاچاق انسان الزامی است اما در صورت صدور رأی نهایی بر برائت یا قرار موقوفی تعقیب از سوی دادگاه یا صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب از سوی دادسرا ضبط یا عدم ضبط اموال و اشیای اختصاص یافته به امر قاچاق انسان تابع مقررات ماده (۱۰) ق.م.ا خواهد بود.

۳- ضبط اموال و اشیای اختصاص یافته به امر قاچاق انسان جز به تبع حکم محکومیت قابل تجدیدنظر خواهی نیست؛ زیرا مستند ضبط الزام قانونی است اما سایر مصادیق ضبط اموال و اشیاء تابع مقررات عمومی و مطابق بند «ج» ماده (۲۳۲) ق.ا.د.ع.ا.ک قابل تجدیدنظر خواهی است؛ زیرا مستند به تشخیص و تصمیم قاضی است.

پی نوشت ها

۱- براساس برآوردهای جهانی حدود دومیلیون نفر در جهان قربانی تجارت انسان شده اند که چیزی حدود دو میلیارد دلار عاید این قاچاقچیان کرده است (به نقل از روزنامه ی شرق مورخ ۸۳/۳/۱۲)

۲- در کلوپ ها و کاباره های آلمان ده هزار زن از کشورهای چک، بلغارستان و ... برخلاف میل خود کار می کنند. در آسیای جنوب شرقی نیز دست کم نیم میلیون کودک زیر پانزده سال از راه فحشا روزگار می گذرانند (به نقل از www.mashal.org)

بنا به گفته ی مسئولان فدرال امریکا سالانه چهارده هزار تا هفده هزار نفر به آمریکا قاچاق می شوند (به نقل از سایت بازتاب ۸۴/۸/۲۴). هم چنین براساس برآورد کمیسیون اروپا سالانه پانصد هزار زن و کودک به اروپای غربی قاچاق می شوند (نقل از سایت خبری تحلیلی فردا ۸۴/۱۰/۱). در گزارش وزارت کشور انگلیس، اصلیترین مبادی ترافیک انسانی، کشورهای بلوک شرق سابق به ویژه منطقه بالکان و هم چنین آسیای جنوب شرقی به ویژه چین و تایلند معرفی شده اند (به نقل از ایرنا ۸۴/۱۰/۱۶). به گفته ی روزنامه ی مشرق چاپ بلوچستان پاکستان؛ در هر ماه (۴۵) دختر کم سن ایرانی به پاکستان قاچاق می شوند که از آن ها برای فساد اخلاقی استفاده می شود، و در کراچی به فروش می رسند

(به نقل از سایت خبری تحلیلی فردا ۱۱/۱۰/۸۴). روزنامه ی شرق نیز در شماره ی مورخ ۸۳/۳/۷ از حراج ۵۴ دختر ایرانی در امارات متحده ی عربی خبر داد.

۳- کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر: در خصوص قاچاق انسان گفته است «قاچاق انسان جنایتی دهشتناک است که روز به روز بدتر می شود (نقل از صدای امریکا ۳۰/۸/۲۰۰۵)».